

دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۶، ارزیابی آموخته‌های ما

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

به این سخنرانی‌ها در مورد الهیات کتاب مقدس برای شناخت اراده خدا خوش آمدید. همانطور که تا الان به خوبی می‌دانید، من گری میدورز هستم و قرار است چند کار انجام دهیم. اول از همه، اگر اشکالی ندارد، می‌خواهم فهرست مطالب خود را مرور کنید.

این جزوه‌ی شما در فهرست مطالب است. ما به تازگی بخش «اراده‌ی خدا در عهد جدید» را تمام کردیم. می‌خواستم این را هم به شما بگویم. فراموش کردم این کار را بکنم، اما در آن بخش جزوه‌ای به شما دادم که تمام موارد استفاده از کلمه‌ی «اراده» به همراه یک نام الهی در عهد جدید را در اختیارتان قرار می‌دهد.

فقط حدود ۵۰ مورد وجود دارد. من همچنین به ستون توضیحات رفتم، کلمه «انجام دادن» را در جایی که متن در مورد انجام اراده خدا بود، قرار دادم و خواهید دید که چگونه این کلمه غالب است. مهم است که شما آن متون را مرور کنید.

فکر کنم یک ستون یونانی هم داشتم. این برای کسانی است که ممکن است بتوانند از آن استفاده کنند، اما با این استفاده می‌شود *selema* نگران نباشید. کلمه یونانی کاملاً سازگار است و

خب، برگردیم و امروز نگاهی به آن بیندازیم. قرار است شش اصل کلی را بررسی کنیم. این نوعی ارزیابی از جایی است که از آن آمده‌ایم.

جنرال موتورز ششم، سخنرانی ششم، ارزیابی آموخته‌هایمان. می‌خواهم خیلی سریع کمی مرور و خلاصه‌ای از آن ارائه دهم. و بعد ادامه می‌دهیم.

و خواهید دید که پس از این سخنرانی، به بخش جدیدی می‌رویم. ما در بخش اول بودیم؛ تشخیص اراده خدا بر اساس کتاب مقدس است. و ما به الهیات، اخلاق و متن کتاب مقدس بسیار پرداخته‌ایم.

در بخش دوم، کمی دقیق‌تر به چستی جهان‌بینی‌ها و ارزش‌ها خواهیم پرداخت. حالا، چون در همان ابتدا خلاصه‌ای از مطالب را ارائه دادم، کمی حس آشنایی‌زدایی و تکرار وجود خواهد داشت.

استفاده R در ایالات متحده ضرب‌المثلی هست به نام خواندن، نوشتن و حساب. برای هر کدام از این‌ها از R می‌گیریم و به آن تنوع می‌دهیم R می‌کند و با آن‌ها جناس می‌سازد. خب، من این سه

تکرار، تکرار و تکرار وجود دارد. ما به این روش یاد می‌گیریم. حتی کتاب مقدس هم همین کار را می‌کند.

به یاد داشته باشید، گاهی به کلمه «به یاد داشته باشید» در کتاب مقدس نگاه کنید. در تمام طول کتاب مقدس که حتی در پطرس بعداً به آن اشاره می‌شود. و البته، در روایت موسی و دیگران، یادآوری چیزهایی که اتفاق افتاده بود به آنها.

و همچنین سه اصل مهم وجود دارد: بخوانید، بخوانید، بخوانید. شما همان چیزی هستید که می‌خوانید. اگر اهل مطالعه و کتاب خواندن نباشید، نمی‌توانید به خوبی پیشرفت کنید.

فقط گوش دادن به من، امیدوارم تا حدی لذت بخش باشد، اما یک سرِ سخنگو آنقدرها هم خوب نیست. اما به همین دلیل است که یادداشتهای زیادی به شما داده‌ام تا بتوانید با مطالعه‌ی خودتان پیشرفت کنید و سپس تحقیق، تحقیق، تحقیق.

من مدت زیادی است که این کار را انجام می‌دهم. و بارها وقتی به موضوعی می‌رسم، احساس می‌کنم مثل یک کودک هستم، چون مدام در حال تحقیق در مورد کتاب مقدس هستم. اگر این درست نبود، کتاب خدا نبود. نه؟ این کتاب در ارائه خود بسیار غنی است و حداقل یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌ها در دنیای غرب بوده است.

بنابراین، درس ششم، ارزیابی آموخته‌هایمان، چیزی است که امروز به آن خواهیم پرداخت. بنابراین، اگر اسلایدهایتان را دارید، فکر نمی‌کنم این بار یادداشتی همراه داشته باشید، اما اسلایدهایتان را دارید و اکنون به سراغ آنها می‌رویم. تشخیص اراده خدا مستلزم خلاصه‌سازی و ارزیابی آنچه در مورد اراده خدا از کتاب مقدس است، آموخته‌ایم.

حالا، برخی از آن موارد چیست؟ اول از همه، عهد عتیق و عهد جدید، اراده خدا را به عنوان حاکمیت خدا معرفی می‌کنند. او بر خلقت خود حاکم است. هیچ چیز خدا را غافلگیر نمی‌کند و او نقشه‌ای دارد، اما این بخش مخفی ماجرا است.

ما همیشه این را نمی‌دانیم. اراده اخلاقی خدا، جایی که دستورات عمل‌های او داده شده است، نه تنها در موارد مدون مانند شریعت، بلکه در روایت‌ها و نحوه آموزش آن به ما در مورد نحوه برخورد خدا با مردم در مسیر رستگاری نیز وجود دارد. عهد جدید از همان الگوهای عهد عتیق پیروی می‌کند.

حاکمیت الهی وجود دارد. اراده اخلاقی الهی وجود دارد. خیلی واضح است.

هرگز به ما گفته نشده که اراده خدا را پیدا کنیم. همیشه به ما گفته شده که آن را انجام دهیم. این چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید.

اراده خدا را انجام دهید. آنچه را که خدا آموخته است، انجام دهید. بدیهی است که چون کتاب مقدس کتاب بزرگی است و ما شاگردان کلام هستیم و چالش‌های زیادی در زمینه خواندن و تفسیر کتاب مقدس وجود دارد، باید بفهمیم که کتاب مقدس چه می‌گوید.

اما این یک مقوله متفاوت است. ما آنچه را که او می‌گوید پیدا می‌کنیم و می‌فهمیم چه می‌گوید، و آنچه را که او می‌گوید انجام می‌دهیم، و این ماهیت اجرایی اراده خداست. بنابراین، هرگز به ما گفته نشده است که آن را پیدا کنیم.

خداوند وحی خود را به عنوان راهی برای شناخت اراده‌اش فراهم کرده است. به همین دلیل است که کتاب مقدس بسیار مهم است. گاهی اوقات، در فرهنگ مسیحی، مردم خسته می‌شوند و می‌گویند که شما آنقدر به کتاب مقدس علاقه‌مند هستید که این یعنی کتاب پرستی.

خب، فکر می‌کنم می‌توان این کار را کرد. اما واقعیت این است که این تنها وحی مشروع و واضحی است که ما از خدا داریم. هر چیز دیگری در یک حوزه ذهنی است و می‌توان در مورد آن سوال کرد.

اما کلام خدا منبع اصلی اطلاعات ما در مورد خدا و اراده اوست. بنابراین کاملاً ضروری است که ما نه تنها کلام خدا را بخوانیم، بلکه آن را بررسی کنیم. خواندن آن عالی است، اما این می‌تواند بسیار بسیار سطحی باشد زیرا

شما در نهایت پیش‌فرض‌ها، ایده‌ها و سنت‌های خود را می‌خوانید، به جای اینکه متن را بررسی کنید و آنچه دیگران در مورد آن متن می‌گویند را مقایسه کنید.

و در همین مقایسه است که بسیاری از اوقات شما شروع به درک واقعی آنچه که به آن اعتقاد دارید و همچنین آنچه که دیگران به آن اعتقاد دارند، می‌کنید. بنابراین، خداوند آن وحی را به عنوان هنجار ارائه داد اکنون، اصطلاحاتی وجود دارد که با اصطلاحاتی که کنترل نهایی خداوند را تأیید می‌کنند، دست و پنجه نرم می‌کنند.

سه اصطلاح اصلی وجود دارد. ما در مورد همه اینها صحبت نکرده‌ایم. برای مثال، در مورد اول، سه اصطلاح وجود دارد که رابطه خدا با خلقتش را به تصویر می‌کشد.

اولی حکم است. ما درباره تدبیر قطعی خدا صحبت می‌کنیم. این قبل از خلقت هر چیزی است.

این چیزی است که ما آن را اگر بخواهید، جلسه اصلی تثلیث می‌نامیم. همچنین نقشه‌ای را که خدا قرار بود از طریق ما در جهان دنبال کند، ترسیم کرد. بخش فرمان، لحظه‌ای در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

ما کمی در مورد حاکم مطلق صحبت کردیم. حاکم مطلق در واقع اسمی است که به ما می‌گوید خدا کیست. او به طور حاکمانه عمل می‌کند، که همان اعمال اوست، اما مشیت الهی اصطلاحی است که در رابطه با اعمال خدا بسیار مهم است.

و ما در سخنرانی دیگری بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. با این وجود، اینها مواردی هستند که ما ذکر کردیم. بیایید یک دقیقه در مورد اراده الهی صحبت کنیم.

این خیلی مهمه. به جمله‌ای هست که از به اعتراف‌نامه قدیمی بیرون کشیدیم. اتفاقاً به اعتراف‌نامه باپتیسته

ممکن است این اعتراف‌نامه باپتیست از اعتراف‌نامه وست‌مینستر جدا شده و تا حد زیادی به آن وابسته باشد. این موارد در جهان غرب بسیار رایج هستند، صرف نظر از اینکه نام چه کسی به آنها الصاق شده است. اما اصل مطلب این است.

و اگر تحملش را داشته باشید، کمی هم به سبک قدیمی جیمز انگلیسی است. سعی می‌کنم آن را آنطور که می‌بینم ترجمه کنم. خداوند از ازل با تدبیری بسیار حکیمانه و مقدس و با اراده‌ی خود، در درون خود مقدر کرده است که هر چیزی آزادانه و تغییرناپذیر به وقوع بپیوندد.

با این حال، بنابراین، خدا نه خالق گناه است، اگرچه همه چیز را برنامه‌ریزی کرده است، او در آن برنامه‌ریزی کرده است، نه اینکه عامل گناه باشد، و نه با هیچ گناهی در آن مشارکت دارد، و نه به اراده مخلوق، ظرفیتی داده می‌شود. ظرفیت بخشی از عرصه انسانی می‌شود. شما خواهید گفت، خب، خدا هنوز هم هست، اینطور نیست؟ بله، اما او همیشه تصمیم به مداخله نمی‌گیرد.

هنوز نه. به آن کلمه «هنوز» توجه کنید. بعداً به آن برمی‌گردم.

و هنوز آزادی هم وجود ندارد. این یعنی چیزی به نام اراده آزاد وجود دارد. همانطور که در گذشته تعریف کردیم، کشش اراده شما در جهت طبیعت شماست.

بنابراین، هنوز آزادی یا احتمال علل ثانویه از بین رفته است. ما در مورد آن صحبت نکرده‌ایم. من قصد دارم در یک لحظه به چیزی اشاره کنم، اما در عوض، او تثبیت شده است که در آن حکمت او در مدیریت و برخورد با همه چیز و قدرت و وفاداری در انجام فرمانش آشکار می‌شود.

بنابراین، البته، در تاریخ کلیسا، در مورد توضیح خدا و اعمال خدا، تنوع زیادی وجود دارد. جنبشی به نام جنبش خدااباوری باز وجود دارد که من چیز زیادی در مورد آن نمی‌دانم. فکر نمی‌کنم که در مسیر درستی باشد، اما می‌گوید که خدا واقعاً چیزها را از قبل نمی‌داند، بلکه با آنها همانطور که اتفاق می‌افتد برخورد می‌کند.

مطمئنم که این ساده‌نگارانه است، اما من این ایده را قبول ندارم. اما می‌خواهم توجه داشته باشم که خداوند در تعیین سرنوشت جهان، بسیاری از چیزهایی را که بخشی از آن هستند، از دیگران پنهان کرده است. این جنبه‌ی آزادی انسان است.

و این باید تعریف شود، اما وجود دارد. این موضوع علل ثانویه، زیاد در موردش نمی‌شنوید. اما بگذارید توضیح بدهم که در مورد چه چیزی صحبت می‌کند.

برای مثال، شوهری صبح زود به خانه می‌آید و همسر و معشوقه‌اش را که هرگز از وجودشان خبر نداشته، در اتاق خواب می‌بیند. او وارد می‌شود و هر دو را با شلیک گلوله می‌کشد. چه کسی باعث این قتل شده است؟ خب، قانون کاملاً این موضوع را روشن می‌کند.

او آنها را کشت. اما در مورد جنبه‌ی سببی نقض عهد ازدواج و این مزاحم در خانه‌اش چه؟ از دیدگاه انسانی ما این سؤالات را می‌پرسیم، اما در حوزه‌های حقوقی، اینها علت در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه افرادی هستند که واقعاً ماشه را کشیده‌اند. خب، در خلقت خدا، قضیه به این سادگی نیست.

برای مثال، آیا خدا باعث می‌شود که افراد مست، نوزادان را زیر بگیرند و مردم را بکشند؟ در اعمال گناه‌آلودشان از افراط و مستی، در مسیر اشتباه یک بزرگراه بین ایالتی قرار گرفتن و یک خانواده را از بین بردن. در اینجا یک جنبه علی وجود دارد. خدا اغلب تصمیم نمی‌گیرد که در مشیت منفی چنین علیتی مداخله کند.

مسئله علل ثانویه موضوع بسیار مهمی در الهیات است که ما در اینجا به آن نمی‌پردازیم. اما او این آزادی را برقرار کرده است. او مسئله علل ثانویه را مطرح کرده است.

با این حال، ما در نهایت آنها را از دیدگاه خود تعریف می‌کنیم، و حکمت او همه این موارد را تعیین می‌کند. بنابراین، به عبارت دیگر، حکم خدا یک حاکمیت ساده نیست. این یک تقدیر ساده نیست.

این یک پیشگویی ساده نیست، بلکه این خداست که با خلقت سر و کار دارد و آن را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که جنبه انسانی در آنچه او طراحی کرده است، گنجانده شود. این بسیار بالاتر از سطح درآمد بسیاری از مردم است، احتمالاً بالاتر از سطح درآمد من. من همه این چیزها را می‌خوانم، اما این یک سطح بسیار عمیق از الهیات فلسفی است.

کلیسا در موارد بسیاری با آن دست و پنجه نرم کرده است. اما اراده‌ی قطعی او ثابت شده است، و ما آن را به حوزه‌ی صحبت در مورد اراده‌ی حاکمانه‌ی خدا می‌آوریم. بنابراین ما فرامین و حاکمیت را داریم.

بیاید لحظه‌ای به این موضوع نگاه کنیم. حکم خدا مربوط به مشورت ابدی اوست. این را در کتاب‌های الهیات خواهید خواند.

آنچه را که او برای جهان خود مقدر کرده است. مقدر کردن فقط دانستن چیزی از قبل نیست. مقدر کردن هدفمند است.

خداوند جهان را به همین شکلی که هست، از پیش مقدر کرده است، از جمله موارد دیگری که به آنها اشاره کردیم و احتمالاً موارد بیشتری در این طرح، که به بشریت احساس گناه می‌دهد. این به معنای احساس گناه برای اعمالشان است زیرا او به آنها آزادی انجام آن اعمال را داده است و آنها مسئول آن خواهند بود. بنابراین، این یک شبکه بسیار پیچیده است.

حاکمیت و مشیت الهی به مدیریت خداوند بر جهانش مربوط می‌شود. بخش زیادی از آن را می‌بینیم، بخشی را پس از وقوع، و بخشی دیگر بر اساس اینکه اخلاق و رفتار اخلاقی ما چگونه ما را در جهان هدایت خواهد کرد، پیش‌بینی می‌شود. حاکمیت از ویژگی‌های خداوند است. یعنی، جایگاه خداوند است.

او فرمانروای ماست. مشیت الهی فعل خداست. این فعالیت خداست.

ما اغلب این اصطلاحات را با هم ادغام می‌کنیم. من می‌شنوم که مردم هرگز از کلمه مشیت الهی استفاده نمی‌کنند و همیشه در مورد حاکمیت صحبت می‌کنند. اما ما باید جایگاه و فعالیت آن را بدانیم.

چند متن وجود دارد که فکر می‌کنم بررسی آنها برای ما مفید باشد. برای مثال، رومیان ۸، آیات ۲۸ تا ۳۰ نکاتی در مورد این متن خاص وجود دارد که باید بررسی شوند، اما ما قرار نیست همه این کارها را اینجا انجام دهیم زیرا این متن در رومیان ۸:۲۸ بسیار رایج است.

احتمالاً همه شما این یکی را می‌شناسید. و ما می‌دانیم که برای کسانی که خدا را دوست دارند، همه چیز برای خیریت با هم کار می‌کنند. خوب، ممکن است در کشوری باشید که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرید و از خود می‌پرسید که چه چیز خوبی در این مورد وجود دارد.

این نوع چیزها باید توضیح داده و باز شوند، اینطور نیست؟ برای خیر و نیکی با هم کار کنید، برای کسانی که طبق هدف او فراخوانده شده‌اند. سوزانده شدن در آتش، سر بریدن، تمام شهادت‌هایی که در طول چند دهه گذشته رخ داده است. برخی می‌گویند در ۵۰ سال گذشته در دنیای مسیحیت شهدای بیشتری نسبت به دوران قبل وجود داشته است.

در آفریقا، برخی کشورهای خاورمیانه و غیره، آزار و اذیت زیادی علیه مسیحیت وجود داشته است. و باید از خود پرسید که این چگونه به نفع من تمام می‌شود؟ خوب، من فعلاً نمی‌خواهم در این مورد صحبت کنم، اما این چیزی است که شما مسلماً باید در مورد آن فکر کنید. حالا به این نگاه کنید، ۲۹.

برای کسانی که از پیش می‌دانستند، از پیش نیز مقدرشان کرد. حال، یک بار دیگر، روش‌های مختلفی برای خواندن کلمه «از پیش می‌دانستم» وجود دارد. «از پیش می‌دانستم» می‌تواند به عنوان «خدا می‌داند شما چه خواهید کرد» در نظر گرفته شود و توسط برخی از الهیات‌ها به عنوان «خدا می‌داند شما چه خواهید کرد» در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، او در حکم خود این را گنجانده است که شما آن را انجام خواهید داد. یا برخی می‌گویند که پیش‌آگاهی اصطلاحی است که در واقع به هدف خداوند اشاره دارد مبنی بر اینکه او از قبل می‌داند که چه اتفاقی قرار است بیفتد. این بسیار ساده‌انگارانه است، اما پیش‌آگاهی چیزی بیش از دانش قبلی است.

این به هدف، عمل و اراده‌ی خدا مربوط می‌شود. اما او همچنین از پیش مقدر شده است که به تصویر پسرش تبدیل شود. به تأکید در اینجا توجه کنید.

تصویر پسرش یک تصویر اخلاقی است. این یک نمایش فیزیکی نیست. این یک تصویر اخلاقی است، درست مثل اینکه به تصویر خدا تبدیل شده باشیم.

این یک نماد فیزیکی نیست، بلکه نشانه‌ای از راه‌های خداست. به تصویر پسر تبدیل شده تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد. او کسانی را که از پیش تعیین کرده بود، فراخوانده است.

این زنجیره‌ی نجات خداست. او از پیش مقدر کرد، او فراخواند. کسانی را که فراخواند، او عادل شمرد.

و کسانی را که او عادل شمرد، او همچنین جلال داد، که البته این موضوع به آینده مربوط می‌شود. بنابراین، در اینجا می‌بینیم که حاکمیت قاطع خدا، امور خاصی را به جریان انداخته است که او آنها را به انجام خواهد رساند. ما بیشتر این را پس از وقوع می‌بینیم.

همچنین، در رومیان فصل ۱۱، عبارت دیگری داریم. آیات ۹ تا ۱۱، پیش از رسیدن به فصل ۱۲، به طور مفصل به قوم اسرائیل می‌پردازد. اما در فصل ۱۱، آیه ۳۳، ای اعماق و ثروت و حکمت و دانش خدا! احکام او چقدر کاوش‌ناپذیر است! راه‌های او چقدر مرموز است! او چیزهای زیادی را برای ما آشکار کرده است، اما ما هنوز گاهی در حیرت و گاهی متحیر هستیم.

ایوب برای بهتر جنگیدن سردرگم بود. چطور دوست دارید ایوب را از سر بگذرانید؟ شاید برخی از شما حتی در میانه‌ی آن باشید. زیرا چه کسی فکر خداوند را دانسته است؟ یا چه کسی مشاور او بوده است؟ یا چه کسی هدیه‌ای به او داده است تا به او پاداش داده شود؟ زیرا همه چیز از او و به وسیله‌ی او و برای اوست.

جلال تا ابد بر او باد. چه کسی فکر خداوند را می‌داند؟ ما فکر خداوند را نمی‌دانیم، مگر اینکه فکر خدا را داشته باشیم که از طریق کلام او به ما منتقل شده است. آن راهنما، چراغ ما برای پاهای ماست و ما را در زندگی هدایت می‌کند.

بنابراین خداوند خلقت را آغاز کرده و جهان را برپا داشته است، و عملیات خاصی را دیکته کرده است. و با این حال، در بحبوحه این عملیات، جنبه‌های خاصی از آزادی انسان، جنبه‌های خاصی از علیت را در آن برنامه‌ریزی کرده است. و این بسیار بسیار ظریف می‌شود تا بتوانیم آن را توصیف کنیم و دلیلی برای یک تحلیل الهیاتی که در حال حاضر فراتر از توان ماست، فراهم کنیم.

امیدوارم این موضوع کنجکاو شما را تحریک کند و شما را تشویق کند تا آن را به روش‌های دیگری دنبال کنید. علاوه بر این، مشاهدات کلیدی که دیده‌ایم این است که خدا همه چیز را تحت کنترل دارد.

سوال این است که چگونه؟ ما حتی می‌توانیم این سوال را بپرسیم که چه زمانی؟ زیرا ما شاهد چنین شرارت فیزیکی وحشتناکی در جهان هستیم، چه طوفان‌های فلوریدا، چه سیل‌های کارولینای غربی، ایالات متحده، یا سونامی‌های فیلیپین، اندونزی و بسیاری از جاهای دیگر. ما شاهد ویرانی‌های وحشتناکی از آنچه که ما شرارت فیزیکی می‌نامیم، هستیم. یعنی طبیعت وارد عمل می‌شود.

این موضوع خدا را غافلگیر نمی‌کند، اما خدا بارها تصمیم نگرفته است که در آن شرایط وحشتناک مداخله کند. و البته، برخی به دلیل برآورده نشدن انتظاراتشان، علیه ایده خدای ابدی که ما می‌پرستیم، پافشاری خواهند کرد. بنابراین، تعریف کنترل خدا تا حد زیادی یک ساختار خلاقانه است.

به یاد داشته باشید، آموزش مستقیم، آموزش ضمنی، ساختار خلاق، ساختارها همیشه به نوعی شامل، مستقیم و ضمنی می‌شوند. اما واقعیت این است که کنترل خدا بر جهان از برخی جهات به ما داده شده است. اما بخش زیادی از آن اینطور نیست.

همانطور که در تثنیه گفته است، چیزهای مخفی از آن خداوند است. چیزهایی که آشکار می‌شوند از آن ما هستند. حال توجه کنید که عبارت «مقرر شد» چگونه آن کلمه را توضیح می‌دهد.

این موضوع به اینجا برمی‌گردد. با این حال، آیا آزادی یا احتمال علل ثانویه وجود دارد؟ این موضوع از بین نرفته، بلکه تثبیت شده است. این موضوع، موضوع بسیار مهمی در تأملات الهیاتی شماست که باید در مورد آن فکر کنید.

من به شما اطلاعات بیشتری برای فکر کردن می‌دهم، و سپس به سوالات شما پاسخ خواهم داد. بسیار خوب. علاوه بر این، اراده اخلاقی خدا، اصول اخلاقی او، اراده آشکار خدا در کتاب مقدس آمده است.

ما این را در عهد عتیق و عهد جدید دیده‌ایم. راه حل اول قرن‌تین ۲ که به زودی در نمودار زیر خواهیم دید. شاید من هم به آن پردازم.

این یک آشناپنداری است. ما این را بارها دیده‌ایم. خدا از ازل وجود داشته و جهان را آفریده است.

آدم و حوا در باغ عدن شکست خوردند. این شکست جهان را به گناه کشاند و از آن زمان تاکنون، خداوند در تاریخ رستگاری بخش در حال فعالیت بوده است. ما سعی می‌کنیم خدا را ببینیم، اما آنقدر تحریف را می‌بینیم که این پاسخ بسیاری از تنوع ما، حتی زیر چتر کلیسا است، چه برسد به دیگران و ادیان دیگر.

اما کتاب مقدس در اول قرن‌تین ۲: ۶-۱۰ آمده است. ما قرار است چندین بار به این موضوع پردازیم، اما الان فقط می‌خواهم شما را به آن قسمت ببرم. امیدوارم که این قسمت‌ها را بخوانید.

شاید اگر از قبل اسلایدهای ما را ببینید و متن را هنگام سخنرانی‌ها بخوانید، آماده باشید. اما در اول قرن‌تین، فصل‌های ۱ تا ۴، پولس عذرخواهی خود را ارائه می‌دهد. عذرخواهی اصطلاحی است که به معنای دفاعیه او دلیل او برای این است که چرا انجیلی که او موعظه می‌کرد، همان انجیلی است که قرن‌تین باید بشنوند و از آن اطاعت کنند.

و آنچه پولس می‌خواهد به ما بگوید، و این به نوعی اوج مطالب ۱-۴ است، او می‌خواهد به ما بگوید که انجیلی که او موعظه می‌کند، حقیقتی که او به کلیسا می‌آورد، فقط ایده روشن او نیست، بلکه چیزی است که خدا آشکار کرده است. توجه کنید که او چگونه این را در آیه ۶ می‌گوید. با این حال، در میان بالغان، ما حکمت را منتقل نمی‌کنیم، اگرچه این حکمت، حکمت این عصر یا حاکمان این عصر نیست که محکوم به فنا هستند. بلکه ما حکمت مخفی و پنهان خدا را منتقل می‌کنیم، حکمتی که خدا پیش از اعصار برای جلال ما مقدر کرده است.

هیچ یک از حاکمان این عصر این را نفهمیدند. اگر آن را می‌فهمیدند، خداوند جلال را مصلوب نمی‌کردند. همانطور که نوشته شده است. حال، به این توجه کنید.

هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده و هیچ قلبی به آنچه خدا برای دوستدارانش آماده کرده، نپرداخته است. مردم این را می‌خوانند و فکر می‌کنند که این آیه‌ای درباره بهشت است. این مطلقاً هیچ ربطی به بهشت ندارد.

این آیه مربوط به معرفت‌شناسی است. به آن توجه کنید. می‌گوید حاکمان این جهان، روشنفکران جهان، باهوش‌ترین مردم جهان، خدا را نمی‌شناختند.

چون چشمانشان دیده نشده، حواسشان، به یاد داشته باشید منابع معرفت‌شناسی با حواس، چشم، گوش سروکار دارند، قلب همان ذهن و منطق است. آنها با خدا استدلال نکردند؛ آنها علیه خدا شدند و آنچه را که خدا در آن تاریخ رستگاری برایشان آماده کرده بود، ندیدند.

خب، این متن خیلی طولانیه. بالاخره یه فهرست منابع هم براتون گذاشتم. یه مقاله از والتر کایزر هست اسمی که شاید تو وست‌مینستر ژورنال بشناسیدی، که توش این متن رو با جزئیات کامل توضیح داده، اونم تو یه مقاله در مورد اینکه خدا یه کتاب مقدس داده.

اول قرن‌تیا ۲: ۶ تا ۱۶ احتمالاً یکی از بلااستفاده‌ترین، اما یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های کتاب مقدس در مورد انتقال کتاب مقدس به ماست. خدا آن را آشکار کرد. در واقع، به آیه ۱۰ نگاه کنید، که من آن را نخواندم.

فکر کنم خوندم. خدا از طریق روح القدس به ما وحی کرده. حالا، این برای من نیست.

خدا به ما وحی کرده است. ما جامعه رسولان هستیم. اگر به ضمائر قبل از ۲، ۶ و بعد از ۲، ۱۶ نگاه کنید. آنها من، تو، من، شما، من، شما هستند، اما با فصل ۲: ۶ تا ۱۶، آنها اول شخص جمع هستند.

ما در مورد جامعه رسولان صحبت می‌کنیم. آنچه پولس در آیات ۲، ۶ تا ۱۶ گفت، دلیل معتبر و مهم بودن انجیلی است که من موعظه می‌کنم، زیرا آیه ۱۰ می‌گوید: «خداوند به ما، به ما، به جامعه رسولان، به کسانی که کتاب مقدس را از طریق روح به ما می‌دهند، آشکار کرده است.» این کار روح در نگارش بود.

این یک متن عمومی برای ما نیست. این متنی در مورد چیزی نیست که بعضی‌ها آن را روشن‌بینی می‌نامند که قرار است خدا از طریق روحش بر من آشکار کند. نه، نه، نه.

این خطاب به جامعه‌ای است که خداوند آن را برگزیده تا کتابی معتبر را به ما برساند. خداوند این مطالب را بر ما، جامعه رسولان، وحی کرده است تا بتوانیم آن را با شما به اشتراک بگذاریم. ما کتاب مقدس را از آنها داریم.

ما کتاب مقدس را تولید نمی‌کنیم. ما آن چیزها را تولید نمی‌کنیم. خب، این موضوع مهم دیگری است، اینطور نیست؟ بنابراین راه حل خدا برای آن معضلی که دیده‌ایم این واقعیت است که او به ما وحی‌ای داده است که ممکن است چالش برانگیز باشد اما برای ما در رابطه با نحوه برخوردمان با زندگی‌مان کافی است.

فکر می‌کنم الان باید حرفم را پس بگیرم. بنابراین، همانطور که بارها و بارها گفته‌ایم، اراده‌ی وحیانی خداوند در کتاب مقدس آمده است. علاوه بر این، این کتاب مقدس به اخلاق انسانی نظم می‌بخشد.

ارزش‌های یهودی-مسیحی بسیاری از چیزها را در جهان غرب، جایی که کتاب مقدس به طور خاص غالب بود و جهان شرق، تا حدودی، ارتدکس شرقی، ارتدکس غربی، به حرکت درآوردند. این موضوعی است که تاریخ

کلیسا باید آن را بررسی کند. اما کلام وحیانی خدا در کتاب مقدس موجود است و اخلاق انسانی ما را تغییر می‌دهد.

بخش عمده‌ای از آمریکا، تا همین اواخر، به اخلاق یهودی-مسیحی گره خورده بود. حتی ملحدان و لادری‌گرایان نیز تا حد زیادی از این اخلاق پیروی می‌کردند. اما با سکولارتر شدن فرهنگ آمریکایی، همه اینها در حال تغییر است.

بار فهم اراده آشکار خدا بر دوش مؤمنان است. کلیسا، مردمی که بر روی نیمکت‌ها نشسته‌اند، نه فقط واعظ پشت منبر، بلکه کسانی که بر روی نیمکت‌ها هستند باید نه تنها گوش دادن، بلکه یادگیری مستقل با مطالعه و تحقیق را بیاموزند. بدیهی است که شرایط آنها از نظر زمان، خانواده و کار متفاوت است، اما آنها همچنان وظیفه دارند که در مورد خدا بیاموزند تا بتوانند مسیحیان خوبی باشند.

حوزه اطاعت یک مؤمن، اراده اخلاقی خداست. این چیزی است که شما مسئول آن هستید. شما مسئول اسرار نیستید.

تو مسئول پیش‌بینی آینده نیستی. تو مسئول انجام کاری هستی که خدا به تو گفته، حالا. حالا، اراده‌ی شخصی سوال می‌پرسد.

این چیزی است که بسیاری از ادبیات و بحث‌های مربوط به اراده خدا را برمی‌انگیزد. اراده شخصی خدا برای من چیست؟ خب، وقتی کتاب مقدس را به شما می‌دهم، اراده شخصی خدا را برای شما و برای خودم، برای هر کسی که آن را بررسی کند، به شما داده‌ام. اراده آشکار خدا برای ماست و از این نظر، شخصی است.

من کلمه «کالبدی» را اینجا گذاشتم چون کلام خدا خطاب به کلیساست. کلیسا از افراد تشکیل شده است. متن باید به طور مناسب تفسیر شود.

حالا، ما در مورد سه روش صحبت کردیم: ساختارهای مستقیم، ضمنی و خلاقانه. در دنیای مسیحیت تنوع زیادی در مورد معنای متن وجود دارد و این چیز جالبی است که بخشی از اراده خداست. این تنوع بخشی از اراده اوست زیرا او تصمیم نگرفت که زندگی را به گونه‌ای نظم دهد که از شر آن خلاص شود.

بنابراین، او چیزی را به انجام می‌رساند که گاهی اوقات ما واقعاً متوجه آن نمی‌شویم، چرا چنین تنوعی در میان افرادی که صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد تفسیر متن را دارند، وجود دارد. با این حال، این یک واقعیت آفرینشی است. علاوه بر این، هیچ متنی وجود ندارد که یافتن اراده خدا را قبل از تصمیم‌گیری ترویج دهد.

هیچ کجای کتاب مقدس به شما نمی‌گوید که برای تصمیم‌گیری، از قبل آن را پیدا کنید. در عهد عتیق، یک بار داوود از خدا پرسید که چه اتفاقی قرار است بیفتد و خدا به او گفت. اما می‌خواهم به متن عهد جدید در اعمال رسولان، فصل ۲۱، توجه کنید، جایی که پولس با بزرگان افسس صحبت می‌کرد، و پولس در اینجا جمله بسیار جالبی در رابطه با اراده خدا برای او و آنچه آنها از اراده خدا در رابطه با او برداشت می‌کردند، بیان می‌کند.

در باب اول قرن‌تینان، ببخشید، در اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۷. بنابراین، وقتی پولس سفر دریایی خود را از صور به پایان رساند، به پتولمائیس رسید و ما به برادران، یعنی پولس و همراهانش، خوشامد گفتیم. پولس زیاد از کلمه «ما» استفاده می‌کند زیرا خود را تنها نمی‌داند. برادران یک روز با آنها ماندند.

روز بعد، آنجا را ترک کردیم و به قیصریه رفتیم. به خانه فیلیپس مبشر که یکی از هفت نفر بود، رفتیم و نزد او ماندیم. او چهار دختر مجرد داشت که نبوت می‌کردند.

خب، فکر می‌کنم زنان در کلیسا نقشی دارند، اینطور نیست؟ وقتی چند روزی آنجا بودیم، پیامبری به نام آگبوس از یهودیه آمد و پیش ما آمد؛ او کمر بند پولس را گرفت و دست و پای خودش را بست. پیامبران همیشه تصاویری از آنچه قرار است اتفاق بیفتد هستند. و او گفت، این یک پیامبر واقعی است که آینده را می‌گوید.

روح القدس چنین می‌گوید. یهودیان در اورشلیم، مردی را که این کمر بند را دارد، به این شکل خواهند بست و او را به دست غیریهودیان خواهند سپرد. به عبارت دیگر، او می‌گوید، اگر طبق نقشه خود به اورشلیم بروی زندانی خواهی شد.

و البته، ما بقیه داستان را می‌دانیم. زندانی می‌شود، قراردادی علیه زندگی‌اش بسته می‌شود. او در نهایت به رم می‌رود.

و وقتی ما، یعنی مشایخی که پولس به آنها تعلیم می‌داد، این را شنیدیم، ما و مردم آنجا از او خواستیم که به اورشلیم نرود. حال، اینجا یک موقعیت منحصر به فرد وجود دارد. آینده آشکار شده است.

پولس به اورشلیم می‌رود و به زندان می‌رود. او قرار است زندانی شود. آزادی‌اش سلب خواهد شد.

خب، خیلی از ما می‌گوییم، خب، مطمئناً دوست داریم درباره آینده بدانیم. من همیشه در این مورد مطمئن نیستم.

اما ما می‌گوییم که مطمئناً دوست داریم آینده را بدانیم، زیرا اگر آینده را بدانیم، تصمیمات متفاوتی خواهیم گرفت. خب، یک دقیقه صبر کنید. آیا شما این کار را می‌کنید؟ آیا باید این کار را بکنید؟ اگر به دلیل دانستن آینده، تصمیمات متفاوتی می‌گیرید، شاید الان تصمیمات درستی نمی‌گیرید.

سپس پولس پاسخ داد و گفت، در آیه ۱۵ چه کار می‌کنی؟ گریه می‌کنم و دلم را می‌شکنم، زیرا من نه تنها آماده‌ام که در زندان باشم، بلکه حتی آماده‌ام که در اورشلیم به نام خداوند عیسی بمیرم. و چون او متقاعد نشد، آنها دست کشیدند و گفتند، بگذار اراده خداوند انجام شود. حال، برای پولس، این به یک معنا، نقشه خدا برای زندگی او بود.

این به نوعی اراده اخلاقی برای تحقق بخشیدن به خدا و اطاعت از دعوت خدا برای رفتن به سوی غیریهودیان بود. و با این حال، حاکمیت خدا قرار بود این عمل را برای او انجام دهد. پولس با دانستن آینده، از انجام آنچه آینده نشان می‌داد، خودداری کرد، اما به تعهد خود به انجیل ادامه داد.

بنابراین، اگر فکر می‌کنیم دانستن آینده تمام تصمیمات ما را در زندگی تغییر خواهد داد، از همان ابتدا در مسیر اشتباهی هستیم. اگر این امر تصمیمات شما را تغییر می‌دهد، اکنون تصمیمات درستی نمی‌گیرید. این چیزی است که باید در مورد آن فکر کنید.

بنابراین، پولس در اعمال رسولان ۲: ۷ تا ۱۴ دانش پیشرفته‌ای داشت، و دانش پیشرفته معیاری برای تصمیم‌گیری نیست. این دانش تحت الشعاع سایر جنبه‌های تصمیم‌گیری، ارزش‌ها، جهان‌بینی و هدف ما در زندگی قرار می‌گیرد. بنابراین این ایده را که اگر فقط آینده را می‌دانستید، آن را می‌ساختید، از ذهن خود پاک کنید.

نه، این کار را نمی‌کنی. تو بیشتر از الان استرس داشتی. من هم بیشتر از الان استرس داشتم

بنابراین، اراده شخصی خدا در حاکمیت خدا خلاصه می‌شود. اراده شخصی خدا در اطاعت از کلامش خلاصه می‌شود، اما هرگز به ما گفته نشده که برای عمل کردن، این را بفهمیم. ما بر اساس دلایل دیگری عمل می‌کنیم

خدا، اسلاید بعدی، اسلاید ۱۰، اراده‌ی آشکار خدا برای ماست، و در آن جمله، شخصی است. اگر کسی بگوید، اراده‌ی شخصی خدا برای شما چیست؟ فقط کتاب مقدس را به سمتش هل دهید چون همین است. شخصی است.

این مادی است. همه ما از جانب خدا نادیده گرفته شده‌ایم. همانطور که اشاره کردیم، متون باید به طور مناسب تفسیر شوند.

هیچ متنی وجود ندارد که یافتن اراده خدا را قبل از تصمیم‌گیری توصیه کند، و ما آن متن را خوانده‌ایم، بنابراین، تحول یک فرآیند منطقی مبتنی بر آموزه‌های کتاب مقدس است. محصول یک ذهن متحول، جهان‌بینی و ارزش‌های ماست.

خب، این قراره یه جورایی آشنا به نظر برسه. همونطور که اشاره کردم، ما توی این سخنرانی‌ها تکرار رو برنامه‌ریزی کردیم تا در پایان سخنرانی‌ها، شما اونجوری که من می‌خوام فکر کنید. چی داریم؟ خب، این دفعه یه آدم معمولی شادتر داریم، اما داده‌هایی داریم که از جهان‌بینی‌ها و ارزش‌ها عبور می‌کنه و از طرف دیگه معنا پیدا می‌کنه.

ذهن متحول، کلید تصمیم‌گیری به عنوان یک مسیحی است. حالا، بیایید ادامه دهیم. اسلاید شماره ۱۳

ما کشف خواهیم کرد که بسیاری از سوالات مربوط به زندگی، هیچ متن کتاب مقدسی ندارند که مستقیماً به نگرانی‌های ما پاسخ دهد. این آموزه مستقیم کتاب مقدس است. فرهنگ‌ها تغییر می‌کنند، زمان‌ها تغییر می‌کنند و شرایط تغییر می‌کنند، اما این ما را تنها نمی‌گذارد.

کتاب مقدس قدیمی نیست. مثل همیشه مرتبط است، اما به روش‌هایی مرتبط است که باید آنها را بررسی کنیم، نه به شیوه‌ای سطحی و اثبات‌شده از متن. بنابراین، سوالات زیادی وجود دارد که باید به آنها پردازیم و ما با این سوالات از طریق یک جهان‌بینی و ارزش‌های پیچیده برخورد می‌کنیم، نه از طریق مصلحت‌مندی، نه اینکه فکر می‌کنم کار عاقلانه چیست، بلکه شما با این مسائل از طریق جستجوی منظم در متون مقدس برای کسب اطلاعات در مورد سوالاتی که دارید، برخورد می‌کنید.

علاوه بر این، پس چگونه پیش می‌رویم؟ خب، ما مسائل زندگی را با به کارگیری جهان‌بینی و مدل ارزشی کتاب مقدس در مورد مسائلی که با آنها مواجه می‌شویم، تشخیص می‌دهیم. ما خطوط استدلال خود را از متن به مسئله‌مان بسط می‌دهیم. بگذارید تأکید کنم.

باید این را برجسته کنم. خطوط استدلال از الف تا ی، از آلفا تا امگا. ما خطوط استدلالی داریم که ما را از نقطه الف تا انتها می‌برد، و وقتی تصمیم می‌گیریم، باید به این شکل فکر کنیم.

دلایل منطقی وجود دارد. حکمت، زندگی ماهرانه و استفاده ماهرانه از کلام خدا برای تفسیر مسائلی است که در این دنیا با آنها روبرو می‌شویم و ما باید بتوانیم آن را توضیح دهیم. حال، توضیحات ما ممکن است

همیشه واقعاً پیچیده نباشد، اما واقعیت این است که ما در تاریکی تیر نمی‌اندازیم، بلکه در روشنایی هستیم، در پرتو وحی خدا، و اگر فقط آن را جستجو کنیم، به ما راهنمایی می‌دهد.

خب، هدف مطالعه ما چیست؟ خب، در اینجا کمی تکرار می‌کنم. هدف من برای شما، و فکر می‌کنم هدف خدا برای شما از نحوه ارائه اراده‌اش، این است که شما را به فردی تبدیل کند که با تأمل خودآگاه، اکنون متوجه شود که این کلمات چقدر معنا پیدا می‌کنند. تأمل خودآگاه

تو می‌دانی چه کار می‌کنی. این فقط یک جهش به تاریکی نیست. می‌توانی با لحنی انتقادی بگویی.

به عبارت دیگر، ساده‌انگارانه نیست. شما باید روی آن کار کنید. شما باید خودتان را به چالش بکشید

. شما باید بخوانید. شما باید تحقیق کنید. شما باید پاسخ‌ها را مقایسه کنید.

شما باید برای این مسائلی که کتاب مقدس مستقیماً به آنها نمی‌پردازد، به کلیسای بزرگتر نگاه کنید، زیرا پاسخ‌های متفاوتی وجود دارد. اما شما باید این کار را انجام دهید، و خواهید گفت، متأسفم، من برای این کار مثبت نام نکردم. خب، متأسفم.

وقتی فرزند خدا شدی، برای آن مثبت نام کردی. مثل ارتش نیست. تو مثبت نام کردی، و این نقشی است که باید داشته باشی.

اگر بخواهید، این استعاره‌ای از یک کشاورز است. در مورد تصمیمات زندگی به شیوه‌ای سازگار با جهان‌بینی و نظام ارزشی کتاب مقدس، با دقت فکر کنید. این فرآیند، مسیرهای ما را فراهم می‌کند.

این مسیری نیست که فقط دعا کنید و منتظر بمانید تا صدایی در سرتان بیاید. خدا این را اینگونه ارائه نکرده است. این ممکن است در تاریخ رستگاری، در زمانی که خدا وحی مستقیم انجام می‌داد، اتفاق افتاده باشد، اما اکنون این اتفاق نمی‌افتد.

شما می‌توانید دعا کنید، اما شما آن کتاب مقدس را جلوی خود باز کرده‌اید و ابزارهایی دارید که می‌توانید اطلاعات مربوط به تصمیمی که می‌گیرید را پیدا کنید. حالا، شما خواهید گفت، مرد، این دیگر از من گذشته است. من ۵۰ ساعت در هفته کار می‌کنم.

من فقط خسته‌ام. نمی‌تونم اینو تحمل کنم. خب، می‌فهمم.

اما در جایی از زندگی، باید جایی را برای خود پیدا کنید که بتوانید به آرامی، گام به گام، در فیض و دانش خداوندمان عیسی رشد کنید و اراده خدا را آنطور که در کتاب مقدس آمده است، درک کنید تا بتوانید تصمیمات خوبی برای خود و خانواده‌تان بگیرید. و البته، بخش دیگر این مسیر، رفتن به کلیسا است. کلیسای شما باید افراد واجد شرایطی داشته باشد که بتوانند طبق این گفته، کتاب مقدس را به شیوه‌های نامناسب و کامل بررسی کنند.

به کشیشان بی‌سواد زنگ نزنید. خواهید گفت، خب، اما آنها با دست سوراخ‌شده منصوب شده‌اند، همانطور که یک نفر در تاریخ گفته است. خب، این خوب است.

و می‌دانم که آنها تأثیر زیادی بر افراد خواهند داشت، اما به شکلی محدود. مردم نجات خواهند یافت. مردم خدا را دوست خواهند داشت.

مردم دعا خواهند کرد. مردم کتاب مقدس خود را خواهند خواند، و درک سطحی و پی‌اساس از آنچه کتاب مقدس می‌گوید نخواهند داشت. آنها هر یکشنبه حقایق کلی را اخلاقی دریافت خواهند کرد، و بخشی از آن است که ما را در مسیر درست نگه می‌دارد.

اما واقعیت این است که اگر می‌خواهید خدا را راضی کنید، اگر می‌خواهید اراده خدا را انجام دهید، باید از حد متوسط بالاتر بروید. من در سال‌های اخیر کلیساهای بیشتری، کلیساهای خوب، دیده‌ام که گوش‌های تیزی دارند. آنها فقط دوست دارند چیزها را به روش خاصی بشنوند.

اگر فشار بیاوری و زیر سوال ببری، خوششان نمی‌آید. چرا؟ چون می‌خواهند با طرز فکر خودشان راحت باشند، چیزی که همیشه از آن لذت برده‌اند. من خیلی وقت‌ها حس می‌کنم سقراط هستم.

می‌دونی، سقراط رو کشتند چون خیلی سوال می‌پرسید. من کلی سوال دارم، و حداقل هنوز دارم زندگی می‌کنم. جهان‌بینی و نظام ارزشی کتاب مقدس.

این فرآیند مسیر ما را مشخص می‌کند. حالا، به اندازه کافی این را گفته‌ام و شما را از انواع و اقسام راه‌ها عبور داده‌ام تا به آن برگردید. این راه‌ها باید کم‌کم برایتان منطقی شوند.

بسیار خب، این ارزیابی ما است. این مربوط به مبحث ششم است و ما در جلسه بعدی برای مبحث هفتم برمی‌گردیم. اگر به فهرست مطالب خود نگاه کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ ما فقط این را مرور می‌کنیم. به بخش دوم می‌رویم.

به جمله‌ی من در فهرست مطالب توجه کنید. ما شهادت کتاب مقدس در مورد شناخت اراده‌ی خدا را بررسی کرده‌ایم. ما متوجه شده‌ایم که بسیاری از سوالات ما در مورد زندگی، هیچ متن کتاب مقدسی ندارند که مستقیماً به آن موضوع پردازد.

بنابراین، ما باید جنبه‌ی دیگری از چگونگی هدایت کتاب مقدس را بیاموزیم. ما باید مشارکت کنیم. من آنقدر در مورد جهان‌بینی و ارزش‌ها صحبت کرده‌ام که شما از آن خسته شده‌اید.

و شاید شما بگویید، خب، لطفاً به من بگویید چیست. خب، ما در شرف انجام این کار هستیم. خب، ما یک متن مناسب خاص داریم.

ما باید مسائل خود را بر اساس یک مدل ارزش‌های کتاب مقدسی و جهان‌بینی تشخیص دهیم. بخش دوم تشخیص است که به این مدل جهان‌بینی و ارزش‌ها نیاز دارد. اینجاست که به چگونگی جایگاه کتاب مقدس در فرآیند تصمیم‌گیری ما می‌رسیم.

(دژاوو) وجود خواهد داشت زیرا ما در مورد تعدادی از موارد صحبت کرده‌ایم، اما در چند سخنرانی بعدی عمیق‌تر و توضیحی‌تر خواهیم پرداخت. سخنرانی‌های ۷ و ۸، ۹ و ۱۰.

و سپس به چیزی که واقعاً قرار است با آن سرگرم شوید، خواهیم رسید. و این همان چیزی است که ما آن را چالش‌های ذهنی در درس‌های ۱۱ تا ۱۴ می‌نامیم. بنابراین، از شما بابت همراهی طولانی‌تان متشکرم و امیدوارم که از فیض و دانش خداوندان عیسی بهره‌مند شوید و رشد کنید.

دعا کنید که روز خوبی داشته باشید و در زندگی‌تان فرصت‌هایی پیدا کنید که بتوانید روی یادگیری کلام خدا تمرکز کنید.